

کشاورزی، صنایع و توسعه روستایی

۱ - کشاورزی و توسعه روستایی

فعالیت‌های کشاورزی یکی از زیربخش‌های اقتصاد روستایی می‌باشد که در کشورهای جهان سوم بعلل خاصی این نوع فعالیت‌ها وجه غالب فعالیت‌های اقتصادی در مناطق روستایی بحساب می‌آید. در گذشته، که روستائیان مجبور به تأمین نیازهای خود بودند، اقتصاد روستایی یک خصوصیت بارز خودگردانی داشت و در این راستا کلیه فعالیت‌هایی که در محدوده دانش تخصصی آنها قرار می‌گرفت، جهت تأمین نیازها به جریان اقتصادی روستایی پیوست. از آن جمله انواع فعالیت‌هایی که در قالب صنایع دستی و غیره در این مناطق انجام می‌گرفته است، می‌باشد. دیدگاهی که در حال حاضر، نوعاً طرح می‌شود، معتقد است که اقتصاد کشاورزی در مناطق روستایی، کشش لازم را برای توسعه ندارد. بلکه سقف این نوع فعالیت‌ها مشخص، نیروی کار مورد نیاز مشخص و بازده نیز مشخص است. و با این تصویر ظرفیت گسترش فعالیت‌های کشاورزی را محدود می‌پندارد.

اما آیا دیدگاه «توسعه روستایی» برای کشاورزی، یک چنین تصویری را دارد؟ فعالیت‌های کشاورزی در قالب دیدگاه توسعه روستایی تعریف خاص خویش را داشته و از این جریان پویای اقتصادی استفاده مطلوبی در راستای تأمین اهداف توسعه بعمل می‌آورد.

در فرآیند توسعه روستایی، فعالیت‌های کشاورزی محدود و بی کشش تلقی نمی‌شود، زیرا، هرگز به شکل سنتی اقتصاد روستا نگرسته نمی‌شود.

بیان و توضیح توسعه روستایی در کشور، نیازمند به تحلیل و بررسی این مقوله از ابعاد گوناگون است. در بخش‌های گذشته عمدتاً سعی در تعریف و تبیین کلیت توسعه روستایی داشتیم. در این بخش کوشش خواهد شد که به عوامل سازنده و تعیین کننده استراتژی توسعه روستایی اشاره شده و هر کدام را از سه محور به شرح زیر مورد بررسی قرار دهیم:

الف - تعریف

هر چند تمام عواملی که بعنوان محور اصلی در توسعه روستایی از آنها یاد خواهد شد، شناخته شده می‌باشد، اما بلاحاط اینکه دیدگاه توسعه روستایی شکل خاصی از این عوامل را در نظر می‌گیرد و به عبارت دیگر این عوامل در قالب‌های ویژه‌ای در توسعه روستایی مورد نظر قرار خواهند داشت، لذا به بیان تعریف مختصری از آنها اقدام خواهد شد.

ب - ضرورت

منظور از ضرورت عامل‌های تعیین کننده، بیان اولویت محورهای بررسی شده می‌باشد.

ج - نقش

در این رابطه، به اثرات هر یک از محورهای مورد بحث اشاره خواهد شد. بنابراین در اینجا عمدتاً بلاحاط تئوریک در پی تبیین عامل‌های تعیین کننده‌ای هستیم که قادرند در چگونگی تأمین اهداف توسعه روستایی نقش ایفا نمایند، و از طرف دیگر مورد نظر قرار دادن آنها امکان تحقق و تأمین اهداف توسعه روستایی را فراهم خواهند نمود.

اشاره:

متنی که از نظر گرامیتان خواهد گذشت دومین بحث از سری مباحثی است که پیرامون توسعه روستایی صورت گرفته است. نظریه اینکه درج کلیه مطالب منجر به طولانی شدن سلسله مقالات یاد شده می‌شود لذا اقدام به حذف برخی مباحث گردید.

در بخش قبل (شماره ۱) این سلسله مقالات به ارتباط مهاجرت و توسعه از دو دیدگاه پرداخته شد و در قسمت دوم پیرامون کشاورزی و صنایع روستایی بعنوان دو عامل اساسی در تحقق توسعه روستایی مطالبی ارائه خواهد شد.



دیدگاه اول بخش کشاورزی را در قالب زراعت پنداشته و عامل تولید را صرفاً زمین و نیروی کار و ماشین تصور می‌کند. در این طرز تفکر، نهایتاً افزایش سطح زیر کشت و افزایش محصول در واحد سطح محصولات زراعی هدف غائی پنداشته می‌شود. در حالیکه توسعه روستائی، از دیدگاه گسترده‌تری به موضوع برخورد دارد و به همین لحاظ اقتصاد کشاورزی را در مناطق روستائی بسیار گسترده و کشت دار محاسبه می‌نماید.

از آنجائیکه توسعه روستائی در پی بهره‌برداری از تمام امکانات و عوامل تولید موجود در مناطق روستائی به نفع مردم روستا و اقتصاد ملی می‌باشد، لذا ورود نوآوری و تکنولوژی را در اقتصاد بخصوص در بخش کشاورزی بلحاظ زمینه مساعدی که در این بخش وجود دارد، بدون هیچگونه تنگ نظری تصور می‌نماید. نوآوری در بخش کشاورزی، تعبیر مختلفی دارد در شکل فعلی کشاورزی، نوآوری و بکارگیری تکنولوژی مناسب، افزایش بهره‌وری کار و سرمایه و بالا بردن راندمان تولید، انتخاب کشت مناسب، بهره‌برداری کامل از امکانات و خدمات آموزشی، به حداقل رساندن ضایعات، فراهم نمودن بازار مناسب و استفاده از سیستم انبارداری و بهره‌برداری از صنایع پشتیبان کشاورزی و غیره معنی می‌دهد. اما حرکت از شرایط فعلی به سمت یک هدف ایده‌آل را می‌توان در نگرش کاملتری مورد توجه قرار داد.

گسترش سایر فعالیتهای کشاورزی، در کنار زراعت، که عموماً امکانات تولید آنها در مناطق

روستائی فراهم است، اهم بسیار مناسبی برای تأمین اهداف توسعه روستائی می‌باشد و در این راستا، شکل فعلی کشاورزی نیز تغییرات عمده‌ای را پذیرا خواهد بود.

دامداری (دامپروری، مرغداری، زنبورداری)، پرورش گل و درختکاری، تولید قارچ، پرورش و کشت ماهی، تولید فرآورده‌های دامی و لبنی و بسیاری از فعالیتهای دیگر اقتصادی که از تنوع فراوانی نیز برخوردار است، ظرفیت و کشت فعالیتهای اقتصادی روستا را در جذب عوامل تولید، غیر قابل تصور می‌نماید.

گسترش و توسعه فعالیتهای دامداری و دامپروری، مرغداری، زنبورداری به روش صحیح هر کدام در شکل سنتی و صنعتی، اثر قابل ملاحظه‌ای اولاً در زراعت و ثانیاً در مجموعه اقتصاد روستائی خواهد داشت و توانایی این را دارد که چهره روستا را تغییر دهد. سایر فعالیتهائی که به بعضی از آنها در بالا اشاره گردید، نیز در اقتصاد روستا می‌تواند جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص دهد.

بنابراین، از آنجائیکه توسعه روستائی دیدگاه وسیع و همه‌جانبه به اقتصاد روستا و اقتصاد کشاورزی دارد، فعالیتهای کشاورزی را با ظرفیت اقتصادی بسیار بالائی بحساب آورده، و فعالیتهای زراعی را یکی از حلقه‌های اقتصاد کشاورزی می‌پندارد

در بیان علل ضرورت عنایت خاص به بخش کشاورزی در فرایند توسعه روستائی، به ذکر این نکته بسنده می‌شود که بلحاظ فراهم بودن بخش عمده‌ای از عوامل تولید کشاورزی در اغلب مناطق

روستائی، تکیه نمودن یک برنامه توسعه به این نوع فعالیتهای، قادر است شروع جریان توسعه روستائی را از داخل این مناطق، شکل ببخشد. به عبارت دیگر، در بیان اولویت بندی و تخصیص منابعی که بلحاظ محدودیتها مجبوره اعمال آنها در برنامه توسعه هستیم، پرتوان نمودن اقتصاد کشاورزی و تکمیل ساختار اقتصادی روستا از طریق شروع فعالیتهای کشاورزی، روش مناسب و درخور توجهی خواهد بود البته این نکته به این مفهوم نیست که از توجه به سایر فعالیتهای اقتصادی چشم‌پوشی نماییم، بلکه موضوع، از دیدگاه محدودیت منابع، طرح گردید. نقشی که گسترش و توسعه فعالیتهای کشاورزی در توسعه روستائی خواهد داشت از افزایش درآمد کشاورزان شروع و به سالم‌سازی فضای زیست در مناطق روستائی تسری می‌یابد.

۲ - صنایع روستائی و توسعه روستائی

از آنجائیکه اقتصاد روستائی، در فرایند توسعه، ملزم به فراهم نمودن شرایط بهره‌گیری از همه عوامل تولید موجود و بالقوه مناطق روستائی هست، لذا فرایند توسعه روستائی، انجام سایر فعالیتهای اقتصادی را در محیط روستا امکان‌پذیر می‌نماید که از آن جمله ایجاد و گسترش صنایع روستائی می‌باشد.

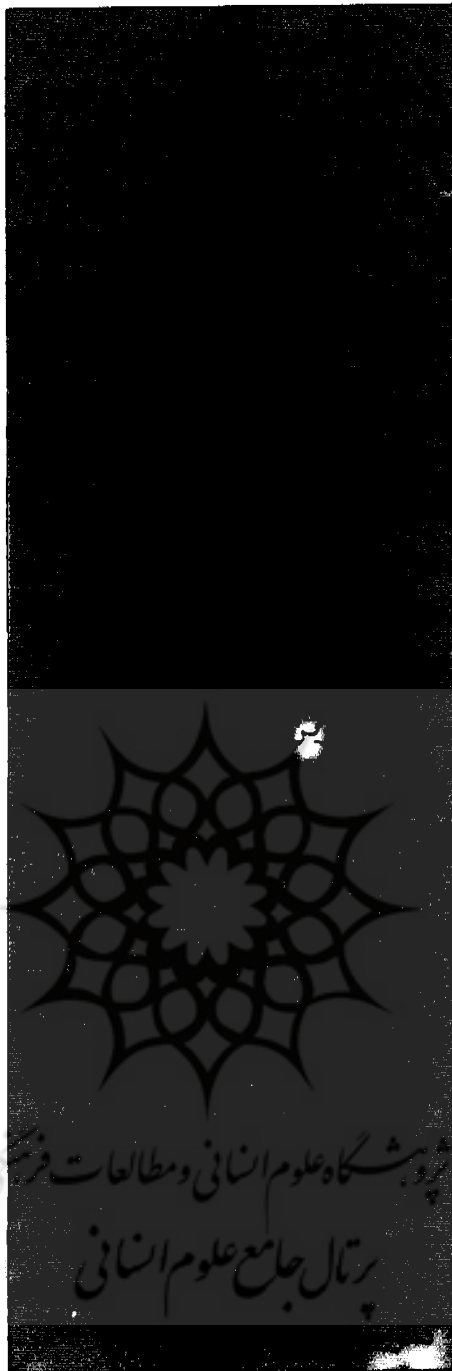
هر چند برای صنایع روستائی به درستی طبقه‌بندی و تعریف استاندارد نشده است، ولی معمولاً از این صنایع به عنوان صنایع تکمیلی کشاورزی، کوچک، زنجیره‌ای، استخراجی و غیره یاد می‌شود. صنایع دستی روستائی نیز در این تقسیم‌بندی قرار می‌گیرد، و همینطور تولید ابزار و

آنها می‌توان در تنوعی که این فعالیتها دارند و همچنین قادرند رشته‌های گوناگون فعالیت‌های اقتصادی روستا را متصل و تکمیل نمایند بشمار آورد. عموماً صنایع خاصی که بنا بر ضرورت در روستاهای کشور شکل گرفته، از گذشته وجود داشته است و در حال حاضر نیز برخی از رشته‌ها با همان کیفیت قبلی وجود دارند. اما توسعه صنعتی در روستاها با عنوان صنایع کوچک، علاوه بر تقویت رشته‌های گذشته و تکمیل خط تولید و پیوند صنایع مستقر در روستا با مجموعه صنعتی کشور، رشته‌های جدیدی از این فعالیتها را بنا بر ملاحظات، به روستاها پیشنهاد می‌نماید.

وجود نیروی کار، سرمایه‌های کوچک، بازار مصرف، معادن متنوع در مناطق روستائی (بخصوص در کشور خودمان) بعنوان فراهم نمودن زمینه فعالیت‌های صنعتی روستا مورد توجه قرار دارد که درصدی از بهره‌برداری و تولید کالاهای واسط را می‌توان به عهده این نوع صنایع گذاشت. تا کنون این رشته از فعالیت‌های صنعتی در راستای گسترش صنایع کشور نتوانسته جایگاه واقعی خویش را در مجموعه صنعت کشور باز یابد.

بعنوان مثال در مقایسه نسبت ارزش افزوده معدن به تولید ناخالص نلی و همچنین صنعت، اختلاف زیادی با توجه به جدول زیر مشاهده می‌شود که بیانگر ضعف این رشته فعالیتها که قابلیت استقرار بیشتری در مناطق روستائی را دارند شده است.

ضرورت ایجاد و گسترش فعالیت‌های صنعتی در مناطق روستائی از دیدگاه‌های مختلفی قابل طرح می‌باشد که به بخشی از آنها مختصراً در ذیل اشاره می‌گردد:



ادوات کشاورزی و غیره. در واقع هر نوع تولیداتی که با استقرار صنعت مربوطه در روستا مناسب باشد، آنها می‌توان در قالب روستائی تعریف نمود. گسترش صنایع روستائی در چهارچوب اقتصاد روستائی و در راستای تأمین اهداف توسعه روستائی به مقیاس وسیع نیازمند سرمایه گذارهای فرعی و معین بر روی طرحهایی مانند شبکه برق رسانی، سیستمهای تهیه آب، راههای مناسب، مخابرات، خدمات فنی، آموزشی، بازاریابی، و غیره می‌باشد. بدین ترتیب صنعتی نمودن بخشی از اقتصاد روستائی می‌تواند منشاء تحولات مهمی در اقتصاد روستا و اقتصاد ملی گردد که بارزترین نتایج یک چنین تحولی جذب بخشی از نیروهای فعال کشور و تأمین بخشی از نیازهای جامعه روستائی، افزایش درآمد و ایجاد اشتغال در روستا، جلوگیری از روند مهاجرت‌های بی‌رویه و رفع مشکلات ازدیاد جمعیتی در شهرهای بزرگ، پیوند بین صنعت و بخش کشاورزی، تشویق مردم به پس اندازهای شخصی و فراهم نمودن زمینه جذب و استفاده از سرمایه‌های کوچک، جذب و استقرار وسائل و امکانات رفاهی مورد نیاز جامعه روستائی، توسعه فرهنگ فنی در بین مردم، توازن بین مناطق روستائی و شهری، تولید و تأمین بخشی از کالاهای مورد نیاز کشور، ایجاد فضا و محیط مناسب جهت رشد ابتکارات در روستا، افزایش کارآئی و بهره‌وری نیروهای فعال جامعه روستائی، کمک به مشی استقلال و توسعه صنعتی کشور، گسترش سیاست مطلوب عدم تمرکز و غیره، دانست.

توسعه صنایع روستائی از طرق مختلف سبب تقویت بنیه اقتصادی روستا می‌گردد و یکی از علل

جدول شماره ۱ - نسبت ارزش افزوده صنعت و معدن به تولید ناخالص داخلی بدون نفت (قیمت ثابت) (درصد)

سال	شرح	۱۳۳۸	۱۳۴۰	۱۳۴۵	۱۳۵۰	۱۳۵۱	۱۳۵۲	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳
ارزش افزوده صنعت		۸/۲	۸/۷	۱۱	۱۳/۶	۱۳/۴	۱۴/۷	۱۴	۱۳	۱۳/۸	۱۴/۵	۱۴/۶	۱۵/۴	۱۶	۱۶/۵
ارزش افزوده معدن		۰/۶۹	۰/۵۹	۱/۱	۱/۲	۱/۲	۱/۳	۱/۴	۱/۶	۱/۰۹	۱/۱	۱۰/۷	۱/۰۹	۰/۹۴	۰/۹۴

۱ - از دیدگاه توسعه ملی، ایجاد و گسترش صنایع روستائی که به مثابه یک حلقه از مجموعه صنایع کشور عمل می‌کند بلحاظ اثرات بارزی که بر روند توسعه دارد قابل ملاحظه می‌باشد. عبارت دیگر استفاده از تمام امکانات بالقوه کشور در جهت تأمین اهداف توسعه، از جمله هدفهای اولیه یک برنامه می‌باشد که از طریق ایجاد و گسترش نوع صنایع، شناسائی، جمع‌آوری و بکارگیری عوامل تولید، امکان‌پذیر می‌گردد. همچنین توسعه یکپارچه تمام مناطق که بخشی از آن ناشی از روند رشد اقتصادی مناطق می‌باشد از طریق تزریق ارزش افزوده صنعت به شریانهای اقتصادی روستاها امکان‌پذیر می‌شود.

از سوی دیگر ارتقاء سطح دانش تخصصی مردم با ورود صنعت به مناطق روستائی این امکان را برای برنامه توسعه فراهم می‌آورد که دستیابی به اهداف سریعتر امکان‌پذیر گردد. همچنین نزدیکی به بازار مصرف و افزایش سرعت گردش پول در مناطق روستائی، اثرات سازنده‌ای در تقویت بنیه اقتصادی روستا خواهد داشت.

۲ - رشد بخش کشاورزی منوط به گسترش فعالیتهای صنعتی مربوطه در مناطق روستائی نیز می‌باشد، لذا در شرایطی که رشد این بخش به‌عنوان یک هدف عمده کشور قرار دارد، گسترش صنایع پشتیبان کشاورزی نیز بایستی به‌عنوان یک هدف کلی تعقیب شود.

۳ - از نقطه نظر اجتماعی، ایجاد و گسترش صنایع روستائی، به‌عنوان اهم مناسبی در توزیع مطلوب جمعیت کشور می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد لذا انجام پراکنش مطلوب جمعیتی یک چنین سیاستی را توصیه می‌نماید.

۴ - بلحاظ اقتصادی نیز، ایجاد و گسترش صنایع روستائی توانایی ایجاد و افزایش درآمد روستائیان، ایجاد اشتغال، تولید و غیره در سطح بسیار وسیعی را دارا می‌باشد.

بنابراین توسعه روستائی لاجرم یک تحول صنعتی را در روستا پذیرا بوده که این جریان صنعتی با ملاحظه قرار دادن امکانات و ظرفیتهای تولیدی و سایر معیارهای اقتصادی، ایجاد و گسترش یافته و نقش کلیدی را در اثرات متوعی که بر روند اجتماعی - اقتصادی مناطق روستائی دارد، بنمایش خواهد گذاشت.

ادامه دارد

مجلس سوم و . . .

موضوع بعدی، موضوع زمین و تراکتور است که قوانین آن در مجلس دوره دوم تصویب نشده و بایست در مجلس دوره سوم مطرح شود. همچنین مسئله مراتع کشور که یک مسئله حیاتی برای حفظ دام و پوشش گیاهی بوده که باید در این مورد هم تصمیم‌گیری شود که بخشی از آن مربوط به مراتع عشایری می‌شود که شامل مسئله مالکیت و واگذاری مراتع به مردم و جلوگیری از تصرفات غیرقانونی مالکین در رژیم گذشته بوده است و نقش بسیار مهمی در رابطه با دامپروری کشور دارد که امیدواریم در مجلس دوره سوم به آنها رسیدگی شود. ضمناً مسئله زمین همچنان از مسایل لاینحلی است که در کشاورزی نقش عمده‌ای دارد.



• برادر لاهیجانیان پیرامون اهمیت و نقش مجلس دوره سوم گفت:

همانطور که در مقدمه تشکیل مجلس سوم موضوع رسیدگی به اصلی‌ترین مسایل محرومان و مستضعفان به‌عنوان دستور کار اصلی مجلس سوم مطرح است، باید به موضوع روستا توجه خاصی شود. زیرا روستا محور توسعه اقتصادی کشور است و برای جلوگیری از آسیبهایی که تکنولوژی صنعت و شهرنشینی در کشور ما داشته است روستا به‌عنوان کانون توسعه کشاورزی و خودکفایی کشور می‌تواند مطرح بشود. بنابر این باید به روستا در برنامه‌ریزیها و قوانینی که به تصویب شورای اسلامی می‌رسد، توجه اساسی بشود. ما باید به روستا هم از بُعد اقتصادی و هم از بُعد اجتماعی توجه کنیم. در راه عدم تمرکز در سرمایه‌گذاریها، سعی کنیم که اولویت را به روستا به دلیل رفع محرومیت و استضعاف و هم به جهت خودکفایی و خوداتکایی اقتصادی کشور بدهیم.

• وی در خاتمه درباره انتظاراتی که از مجلس دوره سوم هست، یادآور شد:

تجربه ما در مجلس دوره دوم این بود که نمایندگان این دوره می‌بایست به نحو احسن از قانون‌گذاریهای انجام شده در مجلس دوره اول استفاده می‌کردند و اینک این راه را با قوت و قدرت بیشتری ادامه می‌دادند. به نظر من اولین کار نمایندگان در مجلس دوره سوم یک بازنگری و آشنایی با دیدگاهها و سیاست‌گذاریهای مجلس شورای اسلامی در دو دوره گذشته است و همچنین اولویت‌بندی کردن برای لوابح و طرحهایی که در دستور کار مجلس سوم قرار می‌گیرد، می‌باشد. کلیه لوابحی که تاکنون از سوی دولت به مجلس داده شده، مجدداً باید ارائه و تحویل مجلس بشود و مجلس با فرصت مناسبی این لوابح را دسته‌بندی و به لوابح عمده توجه بیشتری کند، این کار هم با مطالعه کارهای انجام شده گذشته فراهم می‌شود.

موضوع دیگر آشنایی نمایندگان محترم با کارهای اجرایی و برنامه‌های دستگاهها می‌باشد که بسیار مهم است. به طور طبیعی می‌توان گفت که دستگاههای اجرایی و کمیسیونها، تخصصی بسیار مهم بوده و استفاده از تخصص در کمیسیونهای مربوطه، نقش به‌سزایی در تسریع امور در مجلس دارد. در مجلس سوم باید وظایفی را که برای نمایندگان مردم از سوی مقام رهبری تعیین می‌شود، مدنظر قرار بدهند. زیرا این مسئله در دو مجلس گذشته وجود داشت که خط‌مشی مجلس در قبال موضوعی که تنظیم می‌شد در طول کار بدست فراموشی سپرده می‌شده است. بنابر این مجلس سوم باید خط‌مشی مقام رهبری و مردم را که برای نمایندگان در ابتدای تشکیل مجلس سوم تعیین شده مد نظر خود قرار بدهد و همواره توجه داشته باشند که این مسئولیت الهی را مردم به نمایندگانشان می‌دهند، مسایل ملی و کشوری را بر مسایل منطقه‌ای ترجیح بدهند. ممکن است مردم یک منطقه دارای مشکلات اجرایی زیادی باشند که اگر نماینده با آنها بیش از اندازه دست و پنجه نرم کند، از وظایف اصلی خود باز خواهد ماند و عمدتاً نظارت بر حسن انجام وظایف دستگاههای اجرایی از وظایف نماینده است زیرا مشاهده می‌شد نمایندگان که در پی اجرای پروژه‌هایی در حوزه انتخابیه خودشان هستند از وظایف اصلی‌شان در مجلس باز می‌مانند.